

حال:

با توجه به آنچه درباره مفهوم اعانه خوانديم به بررسى آيه شريفه مى پردازيم. امام مى نويسند:

«قوله تعالى: وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ.

و استشكل عليه الفاضل الإيروانى تارة بأن مؤذاهما الحكم التنزيهى بقريئة مقابلته للأمر بالإعانة على البرّ و التقوى الذى ليس للإلزام قطعا. و أخرى بأن قضية باب التفاعل هو الاجتماع على إتيان المنكر كأن يجتمعوا على قتل النفوس و نهب الأموال، لا إعانة الغير على إتيانه على أن يكون الغير مستقلا و هذا معينا له بإتيان بعض مقدماته.

و يرد على الأول: أنه لو سلمت فى سائر الموارد قريئة بعض الفقرات على الآخر بما ذكر، لا يسلم فى المقام لأنّ تناسب الحكم و الموضوع و حكم العقل شاهدان على أن النهى للتحريم.

مضافا إلى أن مقارنة الإثم و العدوان الذى هو الظلم لم تبق مجالا لحمل النهى على التنزيه، ضرورة حرمة الإعانة على العدوان و الظلم كما دلّت عليها الأخبار المستفيضة، و حمل العدوان على غير الظلم كما ترى. و على الثانى: أن ظاهر مادة العون عرفا و بنصّ اللغويين، المساعدة على أمر، و المعين هو الظهير و المساعد، و إنّما يصدق ذلك فيما إذا كان أحد أصيلا فى أمر و أعانه غيره عليه.

فيكون معنى لا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ لا يكن بعضكم لبعض ظهيرا و مساعدا و معاونا فيهما، و معنى تعاضد المسلمين و تعاونهم أن كلا منهم يكون عضدا و معينا لغيره، لا أنّهم مجتمعون على أمر.

ففى القاموس: «تعاونوا و اعتونوا: أعان بعضهم بعضا» و نحوه فى المنجد.

و فى مجمع البيان فى ذيل الآية قال: «أمر الله عباده بأن يعين بعضهم بعضا على البرّ و التقوى» إلى أن قال: «و نهاهم أن يعين بعضهم بعضا على الإثم.»

و كون التعاون فعل الاثنيين لا يوجب خروج مادّته عن معناها، فمعنى تعاون زيد و عمرو، أن كلا منهما معين للآخر و ظهير له، فإذا هيأ كلّ منهما مقدمات عمل الآخر يصدق أنّهما تعاونتا.

و بالجملة كون التفاعل بين الاثنيين لا يلزم كونهما شريكا فى إيجاد فعل شخصى، فالتعاون كالتكاذب و التراحم و التضامن ممّا هي فعل الاثنيين من غير اشتراكهما فى فعل شخصى.

و لو كان المراد من حرمة التعاون على الإثم هو الشركة فيه، يكون مقتضى الجمود على ظاهر الآية هو حرمة شركة جميع المكلفين فى إتيان محرّم، و هو كما ترى.^١



درس خارج فقه ائمه اربعه

١. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ١، ص: ١٩٦



توضیح:

۱. مرحوم ایروانی بر دلالت آیه شریفه اشکال کرده است که:
۲. اولاً: آیه حکم به کراهت اعانه می کند، به قرینه اینکه امر به اعانه به تقوی هم استحبابی است.
۳. ثانیاً: تعاون یعنی چند نفر با هم یک کار را انجام دهند، در حالیکه اعانه (مثل کمک به مقدمه حرام) در جایی است که یک نفر انجام می دهد و بقیه مقدمات را فراهم می کنند.
۴. حضرت امام بر مطلب اول ایروانی اشکال می کنند:
اولاً اگر در سایر آیات و روایات، بتوانیم بگوییم یک قسمت از آیه یا روایت قرینه است بر اینکه قسمت دیگر را حمل بر معنای غیر الزامی کنیم، اما در این آیه چون قرینه ای را قبول نداریم چراکه حکم عقل و تناسب حکم و موضوع دو شاهد هستند بر اینکه نهی از اعانه، دال بر حرمت است.
۵. ثانیاً: عطف اثم به عدوان (ظلم) شاهد است بر اینکه نهی، تحریمی است چراکه اعانه به ظلم قطعاً حرام است (چنانکه روایات مستفیضه دال بر آن است)
۶. *إن قلت: عدوان به معنای ظلم نیست. قلت: این کلام خلاف ظاهر است.*
۷. حضرت امام بر مطلب دوم مرحوم ایروانی اشکال می کنند: عون یعنی کمک کار و بر جایی که یک نفر اصل کار را انجام می دهد و دیگری به او کمک می کند، صدق می کند. اما «تعاون» یعنی هیچ کدام عون دیگری نباشید و الزاماً به این معنی نیست که «با هم کاری را انجام ندهید» [یعنی من عون شما نشوم در حالیکه شما اصیل هستی و شما عون من نشوی در حالیکه من اصیل هستیم و نه اینکه «هر دو اصیل باشیم»]
۸. بلکه در قاموس تعاون به معنای اعانه معنی شده و مجمع البیان هم آیه را به معنای اعانه گرفته است.
۹. [إن قلت: تعاون فعل دو نفر است یعنی جایی صدق می کند که من شما را کمک کنم و شما من را. پس اگر تنها یک نفر کمک کرد تعاون صدق نمی کند.]
۱۰. [قلت: تعاون زید و عمرو در جایی که یکی به دیگری کمک کند و دیگری به او، صدق می کند.
۱۱. پس اینکه تعاون کار دو نفر است الزاماً به این معنی نیست که هر دو با هم یک کار را ایجاد کنند (و لذا تکاذب یعنی این دو را به کذب متهم می کند و او این را، نه اینکه با هم یک دروغ را می گویند)
۱۲. و اگر جمود بر «شرکت» داشته باشیم، باید بگوییم آیه تنها و تنها در جایی حکم به حرمت می ند که همه مردم با هم یک گناه را انجام دهند.

ما می‌گوییم:

کلام امام در اینکه مراد از تعاون آن نیست که دو نفر با هم یک کار را انجام دهند، کلام درستی است ولی اولاً: اینکه بگوییم لازمه جمود بر لفظ آن است که مراد از آیه «حرمت در صورت شرکت همه مکلفین» است، کلام کاملی نیست چراکه «لا تعاونوا» عام مجموعی نیست بلکه عام انحلالی است و لذا اگر گفتیم مراد از تعاون، «اشتراک در عمل» است، اگر دو نفر هم اشتراک داشته باشند، آیه بر عمل آنها صادق است. ثانیاً: درست است که تعاون به معنای اشتراک در عمل نیست ولی اگر ظاهر باب تفاعل را ملاک بگیریم، آیه به جایی اشاره دارد که زید به عمرو کمک می‌کند و عمرو به زید. و لذا اگر تنها یکی به دیگری کمک کرد، تعاون صدق نمی‌کند (چنانکه در تکاذب و تضامن چنین است).
الا اینکه به آنچه از قاموس و مجمع البیان و تبادر ابتدایی فهمیده می‌شود، استناد کنیم و بگوییم: تعاون به معنای اعانه است و معنای خاص باب تفاعل در آن اخذ نشده است.

